

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال دوازدهم / دوره جدید / شماره ۴۶ / زمستان ۱۳۹۵
صص ۷۷-۸۸

تحلیل و بررسی دیدگاه مفسران درباره آیات نسخ

• عبدالهادی فقهی زاده

استاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

faghhizad@ut.ac.ir

• اصغر طهماسبی بلداجی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک

tahmasebiasghar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۳۱

چکیده

مفسران در تفسیر آیات ۱۰۶ بقره و ۱۰۱ نحل مشهور به آیات نسخ، آراء مختلفی ارائه داده‌اند. برخی از مفسران و اندیشمندان اسلامی، این آیات را ناظر بر نسخ حکم آیات در قرآن می‌دانند و بر این باورند که این آیات به صراحت به مقوله نسخ حکم آیات اشاره کرده‌اند. در مقابل دسته‌ای دیگر از مفسران، این باور را نپذیرفته و اعتقاد دارند که این آیات به نسخ حکم آیات قرآن اشاره ندارند، بلکه مراد آنها، نسخ کتب و شریعت‌های پیشین می‌باشد. جستار پیش رو دیدگاه مفسران در این باره را مورد بررسی قرار داده و با استناد به ادله‌ای دیدگاه دوم را پذیرفته است؛ زیرا این آیات ناظر بر نسخ حکم آیات قرآن نیستند، بلکه در پاسخ به شبهه افکنی مشرکان مکه و یهودیان مدینه، از یک سو نسخ معجزات، شریعت‌ها و کتاب‌های انبیای پیشین را حتمی می‌دانند و از سوی دیگر، شریعت پیامبر(ص) را شریعتی جهانی و جاودانه معرفی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تفسیر، نسخ، نسخ حکم.





مقدمه

در مورد واژه «نسخ»، معانی مختلفی در کتب لغت وجود دارد، از جمله فراهیدی در این باره می‌نویسد: نسخ و استنساخ، از روی چیزی نسخه برداری کردن است. نقل و نسخ یعنی ازاله و برداشتن امری که قبلاً بدان عمل شده است.^۱ در لسان العرب نسخ به دو مقوله «نقل» و «ازاله» معنا شده و در این باره آمده است: نسخ تبدیل نمودن چیزی به چیزی است به طوری که شیء دوم غیر از شیء اول باشد، و نسخ به معنای انتقال از جایی به جای دیگر است.^۲ جوهری در این باره می‌نویسد: عرب می‌گوید: «نَسَخَتِ الشَّمْسُ الظِّلَّ»؛ یعنی آفتاب سایه را زایل کرد، یا می‌گوید: «نَسَخَتِ الرِّيحُ آثارَ الدَّارِ»؛ یعنی باد آثار خانه را تغییر داد. نسخ آیه‌ای با آیه دیگر، به معنای زایل کردن حکم آن آیه است.^۳ از مجموع تعاریفی که درباره واژه «نسخ» بیان شد، می‌توان گفت: معنای نسخ عبارت است از: زایل کردن، نقل، تغییر دادن، نوشتن چیزی از روی نوشته دیگر و تبدیل کردن.

۲) نسخ در اصطلاح علوم قرآن

نسخ در اصطلاح می‌تواند به سه صورت متصور باشد:

۱. سلب مشروعیت یک شریعت با شریعت دیگر؛ چنان‌که به اعتقاد مسلمانان، با ظهور اسلام تمام شرایع گذشته نسخ شده است و همه اهل شرایع باید پیرو شریعت جهان‌شمول و جاودانه اسلام باشند.^۴

۲. برداشتن حکمی که در شرع مقدس اسلام ثابت شده است؛ از قبیل احکام و امثال آن.^۵

۳. نسخ آیات قرآن؛ مطابق این فرض، ابتدا آیاتی از قرآن نازل شده و سپس با توجه به برخی مصالح، حکم آن از قرآن برداشته شده است که به آیات متقدم منسوخ و به آیات متأخر ناسخ می‌گویند.^۶

درباره نسخ در قرآن، از سوی دانشمندان متقدم و متأخر پژوهش‌های فراوانی انجام شده که بیشتر آنها وقوع نسخ در قرآن را پذیرفته‌اند، از جمله: زرکشی در البرهان،^۱ زرقانی در مناهل العرفان،^۲ سیوطی در الاتقان،^۳ و خویی در البیان.^۴ در مقابل برخی دیگر وقوع نسخ در قرآن را انکار یا از آن تفسیر دیگری ارائه کرده‌اند. از نظر این گروه، قرآن آخرین کتاب آسمانی است که ناگزیر هم از لحاظ مفاهیم و هم از لحاظ الفاظ باید جاودانه و بدون تغییر باقی بماند. در دیدگاه این گروه، همه آیات قرآن محکم به شمار می‌روند و هیچ آیه منسوخی وجود ندارد. بر همین اساس، بعضی از دانشمندان علوم قرآن به خصوص متأخران به مقوله عدم نسخ در قرآن گرایش نشان داده‌اند، از جمله: علامه سید مرتضی عسکری در القرآن الکریم و روایات المدرستین،^۵ ایهاب حسن عبده در استحالة وجود النسخ بالقرآن،^۶ مصطفی ابراهیم الزلمی در التبیان لرفع غموض النسخ فی القرآن،^۷ و محمد غزالی در نظرات فی القرآن.^۸ قائلان به وقوع نسخ در قرآن برای اثبات دیدگاه خود با استناد به قرآن، معتقدند: خداوند در آیات ۱۰۶ سوره بقره و ۱۰۱ سوره نحل به وقوع نسخ در آیات قرآن تصریح کرده است. بر این اساس، در مقاله حاضر، پس از گزارش دیدگاه‌های مفسران در تفسیر آیات پیش‌گفته، مفهوم صحیح آنها، مستند به ادله تفسیری ارائه خواهد شد.

مفهوم شناسی نسخ

۱) نسخ در لغت

۱. البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۴۱-۴۴.

۲. مناهل العرفان، ج ۲، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۳. الاتقان، ج ۲، صص ۶۲ و ۶۱.

۴. البیان، ص ۳۵۷.

۵. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، صص ۳۳-۳۳۶.

۶. استحالة وجود النسخ بالقرآن، صص ۲۸۱-۲۸۸.

۷. التبیان لرفع غموض النسخ فی القرآن، صص ۴۳ و ۴۴.

۸. نظرات فی القرآن، ص ۲۴۸.

۹. کتاب العین، ج ۴، ص ۲۰۱.

۱۰. لسان العرب، ج ۳، ذیل ماده «نسخ».

۱۱. الصحاح، ج ۱، ص ۴۲۳.

۱۲. البیان، ص ۳۵۵.

۱۳. اصول الفقه، ج ۲، ص ۵۲.

۱۴. مناهل العرفان، ج ۲، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ الاتقان، ج ۲، ص ۲۵؛

البیان، ص ۳۵۷.

آیات ناظر بر نسخ آیات

(۱) آیه ۱۰۶ بقره

«مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

مفسران در تفسیر این آیه، دیدگاههای متفاوتی ارائه کرده‌اند و بیشتر اختلاف آنان در تفسیر مفهوم واژگان «نسخ» و «آیه» است:

الف) نسخ در قرآن

گروهی از مفسران، مفهوم نسخ در این آیه را وقوع نسخ در قرآن دانسته و بر این باورند که واژه «آیه» در معنای آیه‌ای از آیات قرآن به کار رفته است. بر این اساس، تفسیر کلی این آیه، آن است که اگر بعضی از آیات قرآن را از لحاظ حکم منسوخ کردیم، آیاتی بهتر یا مثل آن را می‌آوریم. طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «خداوند قادر است آیه‌ای از قرآن را با آیه‌ای بهتر و سودمندتر از آن و دارای مصلحت بیشتر نسخ کند».^{۱۵} طبری نسخ در این آیه را به معنای تبدیل تفسیر می‌کند؛ به این معنا که حکم آیه‌ای از قرآن را برمی‌داریم و حکم آیه‌ای دیگر را جایگزین آن می‌کنیم. وی معتقد است: کلمه «حکم» به قرینه قبل از «آیه» حذف شده است.^{۱۶} فیض کاشانی «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ» را به معنای رفع حکم یا برداشتن حکم و «نُنسِهَا» را به معنای بردن از قلبها و «نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا» را به معنای آنچه ثوابش بزرگ‌تر و مصلحتش بهتر است، تفسیر می‌کند.^{۱۷} طنطاوی نیز نسخ در این آیه را به معنای انتهای حکم یا تمام شدن تکلیف و عمل کردن به آیه‌ای از آیات قرآن می‌داند و می‌گوید: «نَأْتِ بِخَيْرٍ» به این معنا است که آیه‌ای بهتر از آیه منسوخه یا مثل آن را می‌آوریم، همچنان که ثواب عمل به ناسخ از عمل به منسوخ بیشتر است. پس وقوع نسخ جایز و نسخ وجود داشته است.^{۱۸}

ب) نسخ در قرآن و شریعتهای پیشین

گروهی دیگر از مفسران مراد از نسخ در این آیه را نسخ آیات قرآن و نسخ کتابهای آسمانی پیشین می‌دانند؛ به این معنا که دایره مصادیق واژه «آیه» چنان وسیع است که علاوه بر آیات قرآن، معجزه و کتابهای آسمانی پیشین را نیز دربر می‌گیرد. فخررازی وقوع نسخ در قرآن را عقلاً جایز و وقوع آن را سمعاً حتمی می‌داند. وی معتقد است: نسخ احکام در قرآن وجود دارد و برخی از آیات، ناسخ برخی دیگرند. علاوه بر این، شریعت پیامبر اکرم (ص) شرایع پیشین را نسخ کرده است.^{۱۹} سید قطب نیز دایره مصادیق نسخ را فراتر از نسخ در قرآن برمی‌شمارد و این آیه را بیانگر این نکته می‌داند که اگر خداوند آیه‌ای را نسخ کند - چه آیه خواندنی مشتمل بر یکی از احکام و مقررات و چه به معنای معجزه - به جای آن، آیه‌ای بهتر و یا هم‌طراز آن را می‌آورد.^{۲۰} زمخشری مراد از نسخ را هم نسخ آیات قرآن و هم نسخ شریعتهای پیشین می‌داند.^{۲۱} صاحب تفسیر اطیب البیان نیز در تفسیر آیه مورد بحث، واژه «آیه» را اعم از کتب الهی و غیر آن می‌داند؛ به این معنا که اگر پیامبری یا شریعتی یا کتابی یا وحیی مدتش تمام شد، خداوند نبی دیگر یا شریعت و کتاب دیگری می‌گمارد، تا حجت بر بندگان تمام شود.^{۲۲} عاملی پس از نقل دیدگاه مفسران درباره این آیه، معتقد است: علاوه بر اینکه برخی از آیات قرآن منسوخ شده‌اند، شریعتها و کتابهای آسمانی پیشین نیز به وسیله قرآن کریم نسخ گردیده‌اند، و شأن نزول این آیه را از قول مفسران این‌گونه نقل می‌کند که یهود می‌گفتند: شریعت موسی و تورات باقی است و خدا آن را نسخ نکرده است و محمد (ص) از خود این کلمات را می‌گوید که این آیه در جواب آنها نازل



۱۹. مفاتیح الغیب، ج ۳، صص ۶۳۷-۶۴۳.

۲۰. فی ظلال القرآن، ج ۱، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۲۱. الکشاف، ج ۱، صص ۱۷۶ و ۱۷۷.

۲۲. اطیب البیان، ج ۲، صص ۱۳۹-۱۴۱.

۱۵. مجمع البیان، ج ۱، صص ۳۴۸-۳۵۰.

۱۶. جامع البیان، ج ۱، صص ۳۷۹-۳۸۴.

۱۷. الأصفی، ج ۱، صص ۶۰ و ۶۱.

۱۸. التفسیر الوسیط، ج ۱، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.



شد.^{۲۳} صاحب تفسیر تسنیم در مورد گستره «آیه» معتقد است که «آیه» فقط اختصاص به آیات قرآن ندارد، بلکه هم آیات تشریحی و هم تکوینی را دربر می‌گیرد. وی در این باره می‌نویسد: واژه «آیه» در اولین آیه مورد بحث، با اطلاق خود آیات تشریحی و آیات تکوینی، هردو را دربر می‌گیرد؛ گرچه تغییر آیات تشریحی با علم، و تغییر آیات تکوینی با قدرت سازگارتر است. بنابراین، پاسخ این شبهه که چگونه ممکن است خدا آیه تشریحی مانند احکام اسلامی و آیه تکوینی مانند پیامبر، امام یا معجزه را تبدیل کند، این است که خدا با علم بیکران خود «می‌داند» و با قدرت بیکران خود «می‌تواند» تبدیل کند. هرچه نشان حق تعالی باشد، در نظام تکوین یا تشریح، مصداق آیه است. از این رو، مفاد آیه مورد بحث این است که اگر مشیت حق تعالی بر ازاله و نسخ آیه‌ای قرار گیرد و آن را زایل کند، حتماً جایگزینی هم‌تا یا برتر خواهد آورد، اعم از اینکه آیه مزبور بیانگر احکام تشریحی باشد، یا از نشانه‌های تکوینی خدا، مانند وجود پیامبر و امام معصوم یا معجزه‌ای از معجزات نبوی. اصطلاح آیه به آیات قرآن اختصاص ندارد، بلکه جمله‌های دیگر کتابهای آسمانی نیز به آیه موسوم شده است: آل عمران، ۱۱۳ و زمر، ۷۱. اطلاق همه آیات مزبور شامل تمام پیروان انبیای گذشته می‌شود و در نتیجه جمله‌های کتاب دینی سلف، آیات خدا است.^{۲۴}

ج) عدم وقوع نسخ در قرآن

دسته سوم از مفسران به طور کلی منکر وقوع نسخ در آیات قرآن هستند و معتقدند: واژه «آیه»، آیه‌ای ناظر به آیات قرآن نیست و می‌تواند موارد متعددی را دربر گیرد، از جمله: معجزه، کتابهای آسمانی پیشین و شریعتهای پیشین. عبدالکریم خطیب نسخ را تبدیل آیه‌ای به آیه دیگر می‌داند، مانند نسخ تورات با قرآن کریم. وی بر این باور است که نسخ در این آیه، فقط نسخ

شریعتها و معجزات پیشین به وسیله معجزه جاودان یعنی قرآن است؛ زیرا زمان شریعتهای پیشین با آمدن حکم و شریعت جدید تمام شده است.^{۲۵} طالقانی پس از نقل و نقد دیدگاه مفسران، نسخ کلی حکم را از هر جهت بی‌دلیل می‌داند. وی بر این باور است که آیه ۱۰۶ بقره متصل به آیات قبل و بعد و ناظر به نسخ بعضی از احکام شرایع گذشته و آیات نبوت است و بیان‌کننده این است که جمود و تعصب اهل کتاب به خصوص یهود درباره بقای آیات و احکام شریعت خود درست نیست؛ زیرا قدرت خداوند نامحصور و تصرفش نامحدود است. بنابراین مفهوم آیه، آن است که خداوند هر شریعتی را بردارد، برتر و رساتر از آن را به جای آن می‌آورد.^{۲۶} صاحب تفسیر خسروی نیز با استناد به دلایلی، نسخ را در قرآن نمی‌پذیرد و معتقد است: وقوع نسخ فقط می‌تواند نسبت به ادیان سالفه باشد که عمر آنها با ظهور دین محکم و استوار اسلام تمام شده است، ولی در دین محمدی (ص) که دین ابدی و پاینده است، جایز نیست؛ زیرا اگر وجود داشته باشد، امتیازی بر دیگر ادیان نخواهد داشت. پس معنای نسخ آیات، این است که خداوند آیه‌ای را از تورات و انجیل باطل نمی‌کند و از یاد مردم نمی‌برد، مگر آنکه به حکمت عالی خود، آیه‌ای در شریعت محمدی (ص) مقرر می‌سازد که در مصلحت برتر و بهتر از آیه منسوخه، یا در مقبولیت عامه مانند آیه نسخ شده باشد.^{۲۷} سوراآبادی بر نسخ شریعتهای پیشین توسط قرآن تأکید می‌کند و شأن نزول این آیه را در مورد طعن یهود به اسلام می‌داند.^{۲۸} چنان‌که فضل‌الله این آیه را جوابی برای یهود می‌داند که نسخ را انکار می‌کردند؛ زیرا کتاب و شریعت یهود به وسیله دین اسلام نسخ می‌شده است. این آیه به منظور تبیین مسئله نسخ برای یهود و همچنین مسلمانان نازل شده

۲۵. التفسیر القرآنی للقرآن، ج ۱، صص ۱۲۱-۱۲۹.

۲۶. پرتوی از قرآن، ج ۱، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

۲۷. تفسیر خسروی، ج ۱، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.

۲۸. تفسیر سوراآبادی، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲۳. الوجیز، ج ۱، صص ۱۴۴-۱۴۷.

۲۴. تفسیر تسنیم.

که به آنان بفهماند خداوند قادر به همه چیز است، از جمله نسخ کتب و شریعت‌های پیشین به وسیله قرآن.^{۲۹} (د) دیدگاه برگزیده

به نظر می‌رسد سیاق آیات پیرامونی آیه مورد بحث، با دیدگاه عدم وقوع نسخ در قرآن و نسخ شریعت‌های پیشین با قرآن سازگار است؛ زیرا وقتی یهود دانستند که شریعت آنان نسخ شده است و باید از شریعت کامل‌تر پیروی کنند، در مقام عناد و شبهه افکنی برآمده و وقوع نسخ را منکر شدند. از این رو، خداوند در این آیه می‌فرماید: اگر شریعت‌ها، کتب آسمانی و معجزات پیشین را نسخ کرده‌ایم، کتاب آسمانی کامل‌تر و معجزه‌ای بهتر آورده‌ایم. این دیدگاه که حاکی از تنزیه قرآن از نسخ آیات آن است، به برداشته‌های خاصی از برخی مفاهیم متکی است که در ادامه بیان می‌شود.

۱. مراد از نسخ در آیه ۱۰۶ بقره

در این آیه مفهوم نسخ، نسخ آیات قرآن نیست، لفظ «ما» در «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ»، اسم شرط و به معنای «اِنْ» شرطیه است، بنابراین بر جایز بودن نسخ دلالت می‌کند، نه بر حتمی بودن وقوع آن. این در صورتی است که مقصود از «آیه» آیه قرآنی باشد.^{۳۰} واژه «آیه» به معنای آیه قرآن نیست و دلیل آن هم چیزی است که در خود آیات آمده است، از جمله: «أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ».^{۳۱} آن چیزی که یهود از موسی (ع) خواسته بودند، معجزه بود. خداوند در آیات پیشین به معجزاتی که برای یهود آمده است، اشاره می‌کند. اهل کتاب نیز از پیامبر اکرم (ص) معجزاتی مانند معجزات پیشین خواستند. اما خداوند برای آنان و دیگران مشخص می‌کند که این خواسته مردود است؛ زیرا زمان معجزات حسی تمام شده و

در آیه ۱۰۶ به این مطلب اشاره می‌کند که خداوند با آوردن معجزه‌ای جاودان و عقلی، معجزات حسی گذشته را نسخ کرده است.^{۳۲} آنچه از سیاق آیات به دست می‌آید، این است که یهود دوست ندارند فضلی از خداوند بر مسلمانان نازل شود. خداوند در این باره می‌فرماید: «مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ».^{۳۳} خداوند بر مسلمانان منت گذاشت و بزرگ‌ترین فضل خود، وحی الهی «قرآن» را به آنها اعطا کرد و به این سؤال که با وجود شرایع آسمانی سابق، چه نیازی به کتاب جدید است؟ این‌گونه پاسخ می‌دهد: احکام درخور نسخ، در شریعت نسخ می‌شوند و اموری وجود دارد که مردم به مرور زمان آن را فراموش می‌کنند و اندک اندک اثرش از کتب آسمانی محو می‌شود و این چنین بخشی از این کتب را نسخ می‌کنیم و آن را به بهتر از آن در این کتاب تبدیل می‌کنیم.^{۳۴}

۲. مراد از واژه «آیه» در آیه ۱۰۶ بقره

«آیه» در لغت به معنای علامت ظاهری و مشخص می‌باشد و در حقیقت، عبارت است از: هر چیز ظاهری که ملازم با شیئی است که ظهور آن مشخص نیست. به هر جمله‌ای از قرآن که دارای حکمی باشد، «آیه» اطلاق می‌شود، خواه این حکم یک سوره یا یک فصل یا چند فصل از سوره باشد.^{۳۵} بیشتر مناقشه قائلان و منکران نسخ در قرآن درباره مفهوم واژه «آیه» در آیه مورد بحث است. قائلان به وقوع نسخ در آیات قرآن بر این باورند که مراد از واژه «آیه» آیات قرآن است. در مقابل منکران وقوع نسخ مفهومی گسترده‌تر برای این واژه قائلند.

لفظ «آیه» در معنای لغوی و اصطلاحی ۳۸۲ بار

۳۲. استحالة وجود النسخ بالقرآن، صص ۲۸۱-۲۸۸.

۳۳. بقره، ۱۰۵.

۳۴. التفسیر الکبیر، ج ۲، صص ۹۱ و ۹۲.

۳۵. المفردات، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۲۹. تفسیر من وحی القرآن، ج ۲، صص ۱۵۷-۱۶۰.

۳۰. التبیان لرفع غموض النسخ فی القرآن، صص ۴۲-۴۴.

۳۱. بقره، ۱۰۸.





در قرآن آمده است. در معنای لغوی، با لفظ مفرد (آیه)، ۸۴ بار، با لفظ مثنی (آیتین)، یک بار، با لفظ جمع (آیات)، ۱۴۸ بار، و با لفظ «آیتک، آیاتک، آیاتنا، آیاته، آیاتها و آیاتی»، ۱۴۹ بار آمده است.^{۳۶} در معنای اصطلاحی، از جمله در این موارد آمده است: به معنی معجزه یا نشانه صدق: «لِئُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى»،^{۳۷} به معنی دلیل بر وجود خداوند: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِنَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَضَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا»^{۳۸} و به معنی بخشی از سوره: «الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ»^{۳۹}.

آیه به معنی بخشی از سوره به غیر از لفظ جمع «آیات» در قرآن کریم نیامده است. مانند آیات: «وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ»^{۴۰} و «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ»^{۴۱}. مراد از واژه «آیه» با لفظ مفرد، آیات قرآن نیست. مانند آیات: «سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُدِلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^{۴۲} و «وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوْهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ»^{۴۳}.

علامه عسکری معتقد است که واژه «آیه» در آیه ۱۰۶ بقره به معنای آیات قرآن نیست؛ زیرا واژه «آیه» با لفظ مفرد برای آیات قرآن به کار نرفته است. ایشان در اثبات این مطلب می نویسد: «وقتی واژه «آیه» میان چند مفهوم لغوی و اصطلاحی مشترک باشد،

ناچار باید قرینه‌ای بیاید که دال بر معنی قصد شده از «آیه» باشد. وقتی «آیه» در اصطلاح اسلامی بین چند معنی مشترک است، در سخن بدون قرینه‌ای که بر معنای مقصود دلالت کند، به کار نمی‌رود. به عنوان مثال گفته می‌شود: «وَالِیْ تُمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوْهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^{۴۴} از ذکر «ناقه» می‌فهمیم که مقصود از «آیه» معجزه پیامبر است. در آیه «وَإِذْ كُنَّا نَمَسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^{۴۵} از بیان دو واژه «ما یتلی» و «الحکمة» متوجه می‌شویم که مقصود از «آیات» احکامی از شرع اسلامی است که در بخشهایی از قرآن آمده است. یا در آیه «الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ»^{۴۶} از ذکر «الر» و اینکه با «تلک» به آن اشاره کرده است، می‌فهمیم که مقصود از «آیات» مجموعه‌ای است که از حروفی مثل «الف»، «لام» و «راء» تشکیل می‌شود. بنابراین معنای «آیات» در اینجا مجموعه‌های لفظی است.^{۴۷} وی پس از ذکر این مقدمات، بر این باور است که واژه «آیه» بین معانی لغوی و اصطلاحی اش مشترک است و لفظ مشترک بدون قرینه به کار نمی‌رود. او در ادامه می‌گوید: آیه ۱۰۶ بقره نیز در ضمن مجموعه آیاتی آمده که خداوند در آن یهود را مورد عتاب قرار می‌دهد که به قرآن و شریعت پیامبر اکرم (ص) و به انجیل و شریعت حضرت عیسی (ع) ایمان نیاوردند. بنابراین معنای «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ» آن است که ما هیچ حکمی را مانند حکم قبله یا عید روز شنبه، از تورات و انجیل منسوخ نمی‌کنیم، مگر آنکه بهتر از آن را در قرآن می‌آوریم. مراد از بهترین، قبله قرار گرفتن کعبه در قرآن و عید روز جمعه در سنت پیامبر اکرم (ص)

۳۶. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، ص ۲۹۳.

۳۷. طه، ۲۳.

۳۸. اسراء، ۱۲.

۳۹. یوسف، ۱.

۴۰. بقره، ۹۹.

۴۱. آل عمران، ۷.

۴۲. بقره، ۲۱۱.

۴۳. هود، ۶۴.

۴۴. اعراف، ۷۳.

۴۵. احزاب، ۳۴.

۴۶. یوسف، ۱.

۴۷. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، صص ۲۹۴-۲۹۶.

است.^{۴۸} بنابراین واژه «آیه» در آیه ۱۰۶ بقره به معنای آیه‌ای از آیات قرآن نیست که بتوان با استناد به آن، به نسخ برخی از آیات قرآن حکم کرد، بلکه مفهوم آیه مصادیق متعددی را دربر می‌گیرد که آیات قرآن از جمله آنها نیست.

یکی از مصادیق واژه «آیه»، کتابهای آسمانی پیشین است؛ به این معنا که مراد از نسخ، نسخ کتب آسمانی پیشین با قرآن است که از رهگذر آمدن آن، کتب آسمانی قبل مانند تورات و انجیل نسخ گردیده‌اند و عمل به آنها با وجود قرآن جایز نیست؛ زیرا قرآن آخرین کتاب آسمانی و دربر دارنده مفاهیم کتابهای آسمانی پیشین است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ».^{۴۹} مفاد جمله «مُهَيْمِنًا عَلَيْهِ»، این است که قرآن بر شئون کتابهای آسمانی نظر دارد و علاوه بر آنکه به ارزش آنها پایان داده، رسالت پیامبران و دیانت‌های آسمانی نیز بر آیات قرآن متکی است.^{۵۰} کتابهای آسمانی پیشین، مقدمه قرآن هستند و آنچه در قرآن نازل شده، مشتمل بر تمام احکام شرعیه مورد نیاز جامعه بشری تا روز قیامت است و از این رو، تمامی بشر از زمان بعثت پیامبر اکرم(ص)، باید بر شریعت ایشان باشند؛ زیرا حضرت محمد(ص) خاتم پیامبران و کتاب او کامل‌ترین کتاب است.^{۵۱} پیامبر اکرم(ص) خود در این باره می‌فرماید: «ان الله عزوجل جعل کتابی المہیم علی کتبہم الناسخ لها».^{۵۲} بنابراین قرآن در جایگاه آخرین کتاب آسمانی، ضمن تصدیق اصل کتب آسمانی پیشین و اشمال آنها بر اصول و معارف فقهی، یک نوع سلطه و حکومت بر کتب پیشین دارد و باید به عنوان آخرین پیام خداوند، حجت و ملاک حق و ناحق تلقی گردد.^{۵۳}

از مهم‌ترین مصادیق واژه «آیه» در آیه مورد بحث، معجزه است. مقصود از نسخ در این آیه، همان ترک معجزات گذشته و عدم تکرار آن و آوردن معجزه‌های دیگر برای پیامبران بعدی است. همه پیامبران معجزاتی برای اثبات نبوت خود داشته‌اند که قرآن برتر از همه این معجزات است؛ زیرا هم از نظر لفظ و هم از نظر معنا، معجزه به شمار می‌رود. اینکه چرا واژه «آیه» به معجزه معنا می‌شود، پایان آیه است که می‌فرماید: «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛^{۵۴} زیرا ذکر قدرت و اعتراف به آن مناسب احکام نیست. از جمله آیاتی که نشان می‌دهد مقصود از «آیه» معجزه است، آیات «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ. أَمْ تَرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»؛^{۵۵} می‌باشد. واضح است که پیوندی محکم و ارتباط قوی بین آیات قرآن وجود دارد که برخی از آیات، برخی دیگر را تفسیر می‌کنند.^{۵۶} با توجه به سیاق این آیات، واژه «آیه» به معنی آیه قرآنی نیست؛ زیرا در آیات نخست از سلطنت آسمانها و زمین سخن به میان آمده و آن‌گاه به درخواستی که اهل کتاب و مشرکان از پیامبر اکرم(ص) داشتند، اشاره شده است. قرآن این درخواست را با خواسته بنی‌اسرائیل از موسی(ع) مقایسه می‌کند که می‌خواستند خداوند را ببینند: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ».^{۵۷} خداوند درباره این درخواستهای آنان می‌فرماید: «أَمْ تَرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ».^{۵۸} چنین درخواستی از جانب اهل کتاب به ما می‌فهماند که آنان (در ظاهر) آیه و نشانه‌ای می‌خواستند که گواه صدق پیامبر اکرم(ص)



۴۸. همان، ج ۲، صص ۲۹۹ و ۳۰۰.

۴۹. مائده، ۴۸.

۵۰. انوار درخشان، ج ۲، ص ۲۸۳.

۵۱. تفسیر خسروی، ج ۲، ص ۱۰۴.

۵۲. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۹۲.

۵۳. «اسلام و نسخ ادیان»، ص ۷۶.

۵۴. بقره، ۱۰۶.

۵۵. بقره، ۱۰۷ و ۱۰۸.

۵۶. التبیان لرفع غموض النسخ فی القرآن، صص ۴۳ و ۴۴.

۵۷. بقره، ۵۵.

۵۸. بقره، ۱۰۸.



باشد. پس معنا و مفهوم آیه این است که خداوند آیات و نشانه‌های دال بر نبوت را تغییر دهد و به جای آن آیات و نشانه‌هایی برتر و روشن‌تر بیاورد.^{۵۹} بنابراین، قرآن در جایگاه معجزه جاویدان تا قیامت، ناسخ معجزه‌های انبیای الهی پیشین است، چنان‌که احکام قرآن ناسخ احکام کتب آسمانی پیشین است. شریعت حضرت محمد(ص) نیز ناسخ شریعت‌های پیشین است که با آمدن این شریعت کامل، عمل به شریعت‌های پیشین جایز نیست.

۲) آیه ۱۰۱ نحل

«وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزَّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ».

مفسران در تفسیر این آیه نیز دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند و بیشتر اختلاف آنان در تفسیر مفهوم واژه «آیه» است:

الف) نسخ در قرآن

گروهی از مفسران مفهوم این آیه را نسخ احکام در قرآن می‌دانند و بر این باورند که واژه «آیه» در این آیه در معنای آیات قرآن است. طبرسی «بدلنا» را به معنای نسخ و «آیه» را به معنای آیات قرآن تفسیر کرده است. ایشان شأن نزول این آیه را این‌گونه بیان می‌کند که مشرکان می‌گفتند: محمد(ص) اصحاب خود را مسخره می‌کند، امروز آنها را دستوری می‌دهد و فردا دستوری دیگر، و همه این دستورات و سخنان از خود او است، نه از جانب خدا.^{۶۰} ابن‌عاشور بر این باور است که مراد از واژه «آیه» کلام تام از قرآن است و منظور، علامت و معجزه نیست. وی برخی از آیات قرآن را که نسخ شده‌اند، ذکر می‌کند و به تفسیر آنها می‌پردازد.^{۶۱} علامه طباطبایی معتقد است: این آیه به مسئله نسخ و حکمت آن اشاره می‌کند و پاسخی است به تهمتی که مشرکان به پیامبر اکرم(ص) می‌زدند.^{۶۲}

فخررازی منظور از تبدیل را نسخ و واژه «آیه» را به معنای آیات قرآن می‌داند. وی محدوده نسخ را فقط آیات قرآن نمی‌داند و علاوه بر آن، نسخ شریعت‌های پیشین توسط قرآن را می‌پذیرد.^{۶۳} در برخی دیگر از تفاسیر، مراد از این آیه را نسخ احکام دانسته‌اند و بر این باورند که با آمدن آیه جدید (ناسخ)، آیه قبلی منسوخ شده و این نسخ برای مصالح بندگان بوده است.^{۶۴}

ب) عدم وقوع نسخ در قرآن

گروهی دیگر از مفسران منظور از واژه «آیه» را آیات قرآن نمی‌دانند، بلکه مصادیق متعددی از جمله: معجزه، کتاب‌های آسمانی پیشین و شریعت‌های پیشین برای آن قائلند. صادقی تهرانی نسخ در آیات قرآن را نمی‌پذیرد و مراد از «بدلنا» را تبدیل و نسخ رسالت‌های پیشین با رسالت حضرت محمد(ص) و نسخ آیات تورات و انجیل با آیات قرآن و نسخ معجزات پیشین با معجزه جاویدان یعنی قرآن می‌داند؛ به این معنی که موارد ذکر شده، ناسخ کتابها و معجزات و شریعت‌های آسمانی پیشین است.^{۶۵} چنان‌که مدرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «مشرکان می‌گفتند: اگر رسالت‌های آسمانی راست بود، در آن صورت شرایع تغییر نمی‌کرد. ولی خداوند بهتر می‌داند که چه چیزی نازل کند. آنان جاهلند و نمی‌دانند که زندگی در حال تغییر است و هر قانون و شریعت با وضعی معین تناسب دارد.»^{۶۶} حسینی شیرازی نیز مراد از تبدیل را نسخ احکامی در شریعت‌های پیشین به وسیله احکامی در شریعت حضرت محمد(ص) می‌داند و علت این نسخ را کامل و جامع‌تر بودن شریعت حضرت محمد(ص) از شرایع پیشین برمی‌شمارد.^{۶۷}

ج) دیدگاه برگزیده

۶۳. مفاتیح الغیب، ج ۲۰، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۶۴. جدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۴، ص ۲۵۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۵۶؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، صص ۴۲۶ و ۴۲۷.

۶۵. البلاغ، ص ۲۷۹.

۶۶. تفسیر هدایت، ج ۶، ص ۱۲۸.

۶۷. تقریب القرآن الی الالذهان، ج ۳، ص ۲۶۳.

۵۹. پژوهشی در علوم قرآن، صص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۶۰. مجمع البیان، ج ۶، صص ۵۹۵-۵۹۷.

۶۱. التحریر و التنویر، ج ۱۳، صص ۲۲۶-۲۲۹.

۶۲. میزان، ج ۱۲، صص ۳۴۵-۳۴۹.

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه واژه «آیه» در لفظ مفرد به معنای آیات قرآن به کار نرفته و سوره نحل نیز از سور مکی است که در سور مکی آیه منسوخ وجود ندارد، این آیه نیز بر وقوع نسخ در شریعتها و کتب آسمانی پیشین دلالت دارد، نه در قرآن.

بیشترین اختلاف قائلان و منکران نسخ در قرآن، در تفسیر این آیه نیز درباره مفهوم واژه «آیه» است. واژه «آیه» به معنای آیه‌ای از آیات قرآن نیست. همان‌طور که اشاره شد، آیه به معنی بخشی از سوره فقط با لفظ جمع «آیات» در قرآن کریم ذکر شده و با لفظ مفرد برای آیه‌ای از آیات قرآن به کار نرفته است و مصادیق متعددی دارد:

یکی از مصادیق آن، آیات کتابهای آسمانی پیشین است. آیه «وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُتَّبِعٌ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^{۶۸} به معنای این است که برخی از احکام قرآن را در بخش یا بخشهایی که ذکر شده است (مکان آیه)، به جای برخی از احکام تورات و انجیل می‌آوریم. احکامی که در شریعتهای پیشین بوده، قابل عمل نبوده و نسخ گردیده است؛ زیرا اولاً؛ انبیای گذشته مقدر زمان عمل به دین خود را تا آمدن دین جدید می‌دانستند، از این رو، به پیامبران بعدی و دین بعدی بشارت می‌دادند. ثانیاً؛ احکام آن ادیان برای انسانهای این عصر مفید نیستند، به همین جهت نسخ و از درجه اعتبار ساقط شده‌اند. ثالثاً؛ ادیان گذشته دچار تحریف جدی شده‌اند، به گونه‌ای که از کتابهای آسمانی همچون تورات و انجیل چیزی جز نام نمانده و دخالت انسان در این کتابها آن قدر آشکار است که حتی مسیحیان و یهودیان به آن اعتراف دارند.^{۶۹} بنابراین مفهوم این آیه، تبدیل و نسخ در کتب آسمانی پیشین است؛ یعنی ناسخ در قرآن کریم و منسوخ در کتب آسمانی پیشین است.^{۷۰}

علامه عسکری مفهوم این آیه را نسخ احکام کتابهای آسمانی پیشین به وسیله قرآن می‌داند. ایشان برای اثبات دیدگاه خود به دلایلی استناد می‌کند از جمله:

۱. آغاز سخن با ذکر قرآن: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ...»^{۷۱} آمده است.
۲. آمدن ضمیر مذکر در «نَزَّلَهُ»؛^{۷۲} اگر مقصود از «نَزَّلَهُ» آیه‌ای از سوره قرآن بود، هر آینه شایسته بود، خداوند بلندمرتبه می‌فرمود: «نَزَّلَهَا»؛ یعنی آیه‌ای از سوره را نازل کرد. چون خداوند سبحان ضمیر را به مذکر برگردانده است، آشکار می‌شود که منظور از واژه «آیه» خود قرآن یا حکمی در آن است.
۳. مشرکان که می‌گفتند: بشری او را آموخته است، منظور آنها از یاد دادن بشر، یاد دادن قرآن یا برخی از احکام آن به پیامبر اکرم (ص) بوده است، نه یک آیه از قرآن.
۴. هیچ روایتی از پیامبر اکرم (ص) نمی‌یابیم که وی لفظ «آیه» را به آیه که جزئی از سوره است، تفسیر کرده باشد، آن‌گونه که برخی از مفسران اعتقاد دارند.^{۷۳}

از مهم‌ترین مصادیقی که می‌توان در تفسیر واژه «آیه» ارائه کرد، معجزه است که خداوند آن را نشانه‌ای برای صدق نبوت پیامبرانش قرار داده و در هر دوره‌ای متغیر بوده است. شاید بر همین اساس، هر پیامبری معجزه مخصوص به خود داشته است. این آیه در جواب مشرکان نازل شده که از پیامبر (ص) معجزه‌ای حسی درخواست می‌کردند. توضیح اینکه خداوند به پیامبر اکرم (ص) و اطرافیان او خبر می‌دهد که هرگز بر آنان معجزه‌های حسی از جنس معجزات پیشین نازل نخواهد کرد، اما به جای معجزه‌های حسی، معجزه‌های بهتر به آنان داده و این همان کتابی است که برای جن و انس معجزه می‌باشد. زمانی که مشرکان مطمئن گشتند و یقین پیدا کردند و دانستند که این کتاب اعجاز‌آمیز فقط از جانب خداوند است، این معجزه «آیه» را با ناسپاسی و انکار و دروغ انگاشتن



۷۱. نحل، ۹۸.

۷۲. نحل، ۱۰۲.

۷۳. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، صص ۳۰۰ و ۳۰۱.

۶۸. نحل، ۱۰۱.

۶۹. «نگاهی به رابطه احکام اسلام با ادیان دیگر»، ص ۸۴.

۷۰. تزییه آی القرآن، ص ۲۸.



پاسخ دادند.^{۷۴}

اگر هم نظریه نسخه برخی از آیات قرآن را بپذیریم، سوره نحل از سور مکی است و در آنچه قبل از این سوره، از وحی الهی نازل شده، نسخ وجود ندارد که حکم مشکل به حکم آسان نسخ شود و مشرکان با این نسخ احکام، به قرآن اعتراض کنند. کجا قبل از سوره نحل حلالی حرام یا حرامی حلال شده است؟ این چیزها اتفاق نیفتاده است که با آن مشرکان به پیامبر اکرم (ص) افترا ببندند و او را مفتر بخوانند. بنابراین تفسیر صحیح این آیه، این گونه است: «مشرکان مکه قانع نمی شدند از اینکه قرآن معجزه‌ای باشد که پیامبر اکرم (ص) آن را برای اثبات صحت نبوت خود آورده است، به همین خاطر از پیامبر اکرم (ص) معجزه‌ای خارق العاده می خواستند که مانند معجزه انبیای گذشته حسی باشد و کلام وحی خداوند یعنی آیات قرآن را به عنوان معجزه پیامبر اکرم (ص) نمی پذیرفتند و می گفتند این سخنان سحر و جادو است. سپس خداوند سبحان با نزول این آیه، خط بطلانی بر افکار و آراء آنها می کشد و می فرماید: این قرآن «آیه» معجزه‌ای جاوید است که از معجزه‌های پیشین بهتر و برای مصالح بندگان نیکوتر است.»^{۷۵}

نتیجه‌گیری

۱. آیات ۱۰۶ بقره و ۱۰۱ نحل بر وقوع نسخ آیات قرآن دلالت نمی‌کنند، بلکه مراد از نسخ در این آیات، نسخ کتابهای آسمانی، معجزات و آیات کتابهای آسمانی پیشین با قرآن است؛ زیرا به دلایل مختلف واژه «آیه» در این آیات به معنای آیات قرآن نیست، از جمله: آیه به معنی بخشی از سوره، فقط با لفظ جمع «آیات» در قرآن ذکر شده و با لفظ مفرد برای آیات قرآن به کار نرفته است. سیاق آیات مورد بحث با توجه به قرائن موجود، درباره نسخ آیات

قرآن نمی‌باشد؛ زیرا آیات قبل از آیه ۱۰۶ بقره به معجزاتی که برای یهود آمده است، اشاره می‌کند. اهل کتاب نیز از پیامبر اکرم (ص) معجزات حسی مانند معجزات انبیای پیشین درخواست کردند، اما خداوند در آیه ۱۰۶ خواسته آنها را مردود می‌داند و این مطلب را بیان می‌کند که با آوردن معجزه جاودان و عقلی یعنی قرآن، معجزات حسی گذشته نسخ شده است. همچنین سوره نحل از سور مکی می‌باشد که در آنچه قبل از این سوره از وحی الهی نازل شده، نسخ وجود ندارد که حکمی تغییر کند و با این تغییر مشرکان به قرآن اعتراض کنند و پیامبر اکرم (ص) را مفتر بخوانند.

۲. واژه «آیه» دربر دارنده مواردی است که نسخ در آن موارد شکل گرفته است، از جمله: «معجزه»، «کتابهای آسمانی پیشین» و «آیات کتابهای آسمانی پیشین»؛ به این معنا که قرآن به عنوان معجزه عقلی جاودان ناسخ معجزات حسی انبیای پیشین می‌باشد و در مقام آخرین کتاب آسمانی، ناسخ کتب آسمانی پیشین بوده و دربر دارنده تمام معارف آنها است و آیات آن، ناسخ آیات کتابهای آسمانی پیشین می‌باشد که با وجود این آخرین کتاب آسمانی جامع و جاودان، عمل به کتابهای آسمانی پیشین جایز نیست.

۷۴. استحالة وجود النسخ بالقرآن، ص ۲۹۵.

۷۵. نظرات فی القرآن، صص ۲۴۵ و ۲۴۶.

- قرآن کریم.
- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحرير و التنوير، قاهره، مطبعة عيسى بايى حلبى، ۱۳۸۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار لسان العرب، ۱۹۷۰م.
- ابوزيد، نصر حامد، پژوهشى در علوم قرآن، ترجمه مرتضى كريمى نيا، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰ش.
- احمد، بشير الدين محمود، التفسير الكبير، لندن، الشركة السلامية، ۱۴۱۳ق.
- بحراني، سيد هاشم، البرهان فى تفسير القرآن، تهران، بنياد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- جوادى آملی، عبدالله، تفسير تسنيم، قم، اسراء، ۱۳۸۳ش.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۴۰۷ق.
- حسن عبده، ايهاب، استحالة وجود النسخ بالقرآن، جببزه، مكتبة الناظفة، ۱۴۲۵ق.
- حسيني شيرازى، سيد محمد، تقريب القرآن الى الازهان، بيروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ق.
- حسيني همدانى، سيد محمد حسين، انوار درخشان، تهران، كتاب فروشى لطفى، ۱۴۰۴ق.
- خسروانى، علي رضا، تفسير خسروى، تهران، اسلاميه، ۱۳۹۰ق.
- خطيب، عبدالكريم، التفسير القرآنى للقرآن، بيروت، دار الفكر العربى، بى تا.
- خويى، سيد ابوالقاسم، البيان فى تفسير القرآن، ترجمه محمدصادق نجمى و هاشم هاشم زاده رئيسى، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۸۵ش.
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، دمشق، دار القلم؛ بيروت، دار الشاميه، ۱۴۱۲ق.
- زرقانى، محمد بن عبدالعظيم، مناهل العرفان فى علوم القرآن، قاهره، دار احياء الكتب العربية، بى تا.
- زرکشى، محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، بيروت، دار المعرفة، ۱۹۹۴م.
- الزلمى، مصطفى ابراهيم، التبيان لرفع غموض النسخ فى القرآن، اربيل، مكتب التفسير، ۲۰۰۰م.
- زمخشري، محمود بن عمر، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دارالكتاب العربى، ۱۴۰۷ق.
- سبزوارى نجفى، محمد بن حبيب الله، الجديد فى تفسير القرآن المجيد، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
- سورآبادى، عتيق بن محمد، تفسير سورآبادى، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰ش.
- سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، الاتقان فى علوم القرآن، قاهره، مكتبة دار التراث، بى تا.
- شاکر، محمد كاظم، علوم قرآنى، قم، دانشگاه قم، ۱۳۸۷ش.
- صادقى تهرانى، محمد، البلاغ فى تفسير القرآن بالقرآن، قم، مؤلف، ۱۴۱۹ق.
- طالقانى، سيد محمود، پرتوى از قرآن، تهران، شركت سهامى انتشار، ۱۳۶۲ش.
- طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۱۷ق.
- طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
- طنطاوى، سيد محمود، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۹۳م.





- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- طیب، سید عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ ش.
- عاملی، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق.
- عسکری، سید مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم، دانشکده اصول الدین، ۱۴۲۴ ق.
- غزالی، محمد بن محمد، نظرات فی القرآن، قاهره، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۸۳ ق.
- فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، دارالهجرة، ۱۴۱۰ ق.
- فضل الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ ق.
- فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
- قدردان قراملکی، محمدحسن، «اسلام و نسخ ادیان»، مجله کیهان اندیشه، شماره ۸۳، ۱۳۷۸ ش.
- قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
- گلایری، علی، «نگاهی به رابطه احکام اسلام با ادیان دیگر»، مجله رواق اندیشه، شماره ۴، ۱۳۸۰ ش.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- مدرسسی، سید محمدتقی، تفسیر هدایت، ترجمه احمد آرام، مشهد، آستان قدس رضوی، بی تا.
- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ ق.
- هانی، طاهر، تنزیه آی القرآن عن النسخ و النقصان، فلسطین، الجماعة الاسلامیه الاحمدیه فی الدیار المقدسه، ۱۴۲۱ ق.